



## معرفی نسخه‌ای کهن و نادر الوجود

### «کشف الاحزان و سرور الاخوان»

در میان گنجینه کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه‌الله نفایس خطی فراوانی از روزگاران قدیم وجود دارد که از نظر زیبایی و خطوط مختلف هنری، تذهیب و تشعیر در حد اعلا است و از نظر معنی و جنبه علمی، اسلامی، گواه دانش دیرین و فرهنگ اصیل مردم ایران اسلامی است یکی از آثار علمی، روائی این گنجینه کتاب «کشف الاحزان و سرور الاخوان» به جا مانده از قرن هفتم هجری است که در فضایل و مناقب امیرالمؤمنین و فاطمه الزهراء و امامین همامین الحسن و الحسین علیهم السلام و شیعیان آن حضرت است.

این نسخه از دیدگاه روائی اهمیت والائی دارد و تأليف آن احتمالاً به سده هفتم هجری می‌رسد، آنچه بر اهمیت نسخه می‌افزاید احادیثی است که علمای معتبر اهل سنت هم در کتابهای خود روایت نموده‌اند که در تحقیق به آنها اشاره خواهد شد.

بی تردید بعد از قرآن کریم، احادیث، دوّمین منبع شناخت تعالیم اسلام است. نقش و کاربردی حدیث و اهمیت آن در تفسیر متون قرآنی و تبیین اصول و فروع دین و معارف اسلام بر کسی پوشیده نیست. اهتمام علمای شیعه، به احادیث نبوی صلوات‌الله علی‌آل‌هی و‌آله‌ی‌علیهم‌السلام و روایات ائمه معصومین علیهم السلام در استنباط احکام فقهی، عقیدتی، اخلاقی که کمال سعادت امّت اسلامی را در بر دارد. از همین دیدگاه است.

علمای بزرگ و اندیشمندان شیعه، پرچمدار حریم ولایت و حافظان علوم آل محمد صلوات‌الله علی‌آل‌هی و‌آله‌ی‌علیهم‌السلام هستند که با تلاش شبانه روزی خود سعی در پاسداری از دست‌آوردهای رسول مکرم اسلام و ائمه طاهرین علیهم السلام داشته و دارند و حلال و حرام خدا را برای مردم بیان می‌کنند.

وجود عالمان و متفکرانی چون شیخ صدق، شیخ مفید، شیخ الاسلام کلینی، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، علامه مجلسی اول و دوم، شیخ حسن صاحب جواهر، شیخ انصاری، میرزا شیرازی، آیت الله بروجردی و ... با موشکافی و تعمّق در متون معارف اهل بیت علیهم السلام و در تقویت مبانی تشیع، در قرون مختلف صدها هزار صفحه کتاب و رساله تألیف کرده و به آیندگان هدیه کرده‌اند.

اگر به کتابهای روائی شیعه نگاه کنیم به خوبی درمی‌یابیم که منابع شیعه در هر بابی از ابواب فقهی غنی است و پیرامون هر موضوعی از موضوعات حتی خدشهای و خراشی که بر بدن وارد می‌شود مطلب دارد. شیعه به کتاب خدا و عترت پیامبر صلوات‌الله علی‌آل‌هی و‌آله‌ی‌علیهم‌السلام چنگ زده و دستور رسول گرامی اسلام را سرمشق خود قرار داده که فرمود: «آنی مخلف

فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تصلوا بعدی أبداً، كتاب الله و عترتى اهل بيته<sup>۱</sup>. اى مردم من در بين شما چيزی گذاردم که اگر آن را در اختیار گیرید، هرگز گمراه نخواهید شد، كتاب خدا و عترتمن، اهل بیتم. این روایت به الفاظ دیگری هم ذکر شده است<sup>۲</sup>، شیعه در هر مورد از علوم اسلامی و احکام شرعی به آن دو رجوع کرده و همه‌ی مسائل شان را به فرموده آنها استناد می‌کنند.

اهل سنت رجوع به اهل بیت را کنار گذاشتند و شعار باطل دل فریب (حسبنا کتاب الله) را سردادند، اول کسی که این ادعا را کرد و در برابر خواسته‌های پیامبر خدا<sup>علیه السلام</sup> که فرمود: (دوات و کاغذ بیاورید تا چیزی بنویسم که امت بعد از من به گمراهی نیفتند) مخالفت نمود و سخنی گفت که قلم از آوردنش شرم دارد، او عمر بن خطاب بود که با نص کتاب الله مخالفت کرد، آنجا که می‌فرماید: «أطِيعُوا اللَّهَ وَأطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ أَمْرٌ مُنْكَرٌ» او از فرمان پیامبر سر باز زد. برخورد خشن وی و رفیقش با حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> و حضرت فاطمه دختر رسول الله چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد، به گونه‌ای رفتار کردند که فاجعه تاریخ است. روش آنها خط سیر تاریخ اسلام به گونه‌ای دیگر به جریان انداخت و تلاش بیست و سه ساله رسول الله را واژگون کردند. همه مسائل و مقاصد مکتب آسمانی عوضی جلوه داده شد. از باب اینکه تصور نشود کلمات نگارنده اختلاف انگیز است و به وحدت لطمہ می‌زنند، برخی کارها که خلفاً و عمال خلافت انجام دادند با استناد به کتابهای معتبر اهل سنت و تحقیق دقیق علامه بزرگوار مرحوم سید مرتضی عسکری<sup>علیه السلام</sup> که به عنوان (نقش ائمه در احیاء دین) چاپ شده است و می‌گذارد و اشاره‌ای به فهرست آن مجموعه می‌نماید.

موضوع ممنوعیت نقل حدیث پیامبر<sup>علیه السلام</sup> در کتاب نقش ائمه در احیاء دین جلد اول ص ۱۴۸ آمده و منع نشر حدیث پیامبر ج ۱ ص ۱۷۵، داستان قلم و دوات: ج ۱ ص ۱۹۱، کوشش برای شکستن شخصیت پیامبر: ج ۲ ص ۲۵۹، جعل حدیث و عوامل تحریف: ج ۶ ص ۸ فرمان رسمي جعل حدیث: ج ۶ ص ۱۲۴، جلوگیری از روایت حدیث پیامبر در زمان ابوبکر: ج ۹ ص ۳۷، ابوهریره بازرگان حدیث جعلی از قول پیامبر: ج ۱۲ ص ۲۹، منع نقل حدیث پیامبر در دوران خلفای ثلاثة: ج ۱۴ ص ۴۱ و ... اینها فقط نمونه‌ای از تحریفات بود که در مبانی اعتقادی اسلام، قرآن و وحی توسط سردمداران خلافت ایجاد شد. ضرورت دارد تا این موضوع مورد پژوهش دقیق قرار گیرد که عاملی جهت نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر و وحدت آنان می‌شود.

عدم جواز کتابت حدیث در قرن اول و دوم هجری و وقفه‌ای که در نشر بیانات و احادیث رسول اکرم<sup>علیه السلام</sup> و رهبران دین پدید آمد موجب پیدایش و افزایش اخبار ضعیف و غیرمعتبر گردید. به شهادت تاریخ تا اوایل سده دوم هجری، فرمایشات رسول گرامی اسلام، سینه به سینه، به دیگران منتقل می‌شد و در روزگار بنی امیه، جعل و

<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup>. رجوع شود به کنزالعمال متقی هندی چاپ ۱۳۹۹ مؤسسه الرساله ج اول ص ۱۸۵ تا ۱۹۰ به بعد و رهبری امام علی، ترجمه کتاب المراجعات سید شرف الدین ص ۴۸.

تحریف حدیث از قول نبی اکرم ﷺ، فضیلت‌های دروغین، با انگیزه سیاسی، در مدح خلفای جور، رواج پیدا نمود. پس از رفع ممنوعیت حدیث، عالمان دین، بویژه شیعیان، در راه حفظ احادیث صحیح تلاش‌های گسترده‌ای نمودند و تدوین کتب متعددی در زمینه فقه، حدیث، رجال، درایه الحدیث و... تألیف نموده، گام‌های مؤثری برداشته، و آثارگران‌بهائی از خود به یادگار گذاشتند. فقیهان مدقّق تطبیق احادیث را با آیات، و رعایت وثاقت رجال، توانستند استنباط احکام شرعی نموده و احادیث را با ذکر سند و وسائط بازگو و کتابت نمایند.

آنها به شاگردان خود که شایستگی شناخت و نقل حدیث و خبرویت داشتند اجازه نقل حدیث می‌دادند. امام صادق علیه السلام نخستین کسی است که شفاهًا به ابان بن تقلب اجازه نقل حدیث و فتوا داده و فرموده است: اجلس فی مسجد المدینه و افت الناس فانی احب ان یری فی شیعیتی مثلک.<sup>۱</sup>

و ابواحمد عبدالسلام بن الحسین البصري علیه السلام اولین کسی است که اجازه کتبی نقل حدیث به احمد بن عبدالله ورآق نوشته است. کتابا بخطه: قد اجاز له فيه جميع روایته.<sup>۲</sup>

به تدریج اجازات احادیث فزونی یافت تا در عصر ما که جمع‌آوری اجازات خود کتابها و مجلدات متعددی خواهد شد. چنان که گفته شد حدیث در بین مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، و محدثین در محافظت و نشر حدیث به یکدیگر توصیه می‌نمودند.

حدیث مشهور که از پیغمبر نقل می‌نمایند، به انحصار مختلف و اسناد و طرق متعدد، در کتب فریقین آمده است: «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا مما يحتاجون فی امر دینهم، بعثه الله عالما فقيها»<sup>۳</sup> کسی که چهل حدیث برای امت من در مسائل دینی که محتاج آنان است، حفظ کند خداوند روز قیامت او را عالم و فقیه محشور فرماید. این حدیث مورد توجه قرار گرفت و بر همین اساس ده‌ها کتاب اربعین حدیث نگاشته شد.

تا آنجا که تحقیق گشت، اولین کتاب الأربعین توسط عبدالله بن مبارک مروزی (صاحب کتاب الزهد و الرقائق) متوفای ۱۸۱ هـ تألیف شد،<sup>۴</sup> بعد از آن احمد بن حرب نیشابوری، متوفای ۲۳۴ هـ کتاب الأربعین نوشت.<sup>۵</sup> سپس محمد بن اسلم کندي، متوفای ۲۴۲ هـ و ابوالحسن طوسی، مؤید بن محمد بن علی قرشی، متوفای ۲۴۲ هـ که هر دو نفر از عالمان حدیث بودند، همزمان دو کتاب، الأربعین نوشته‌اند<sup>۶</sup> و در اعصار بعد، اربعین نویسی متداول گشت، و وارد مرحله فنی گردید و احمد بن محمد سلفی اصفهانی متوفی ۵۷۶ کتاب اربعین حدیثا عن اربعین

۱. رجال نجاشی، ص ۷.

۲. رجال نجاشی، ص ۶۲.

۳. خصال صدوق، ص ۵۴۱.

۴. کشف الظنون ۵۷/۱.

۵. همان، ۵۴/۱.

۶. مقدمه اربعین جامی، ص ۵.

شیخا فی اربعین مدینه را، ارائه داد.<sup>۱</sup> و اربعین نویسی، بر حسب موضوعات خاصی چون احکام فقهی، مسائل اسلامی، اخلاقی، عرفانی، اصول عقاید و فضائل و مناقب و... رواج پیدا کرد، تاکنون صدها کتاب اربعین حدیث، چهل حدیث و... تأليف شده که در کشف الظنون، الذریعه و فهرست‌های دیگر آمده است.

در این میان، اربعین حدیث‌های فضائل و مناقب، رقم چشم‌گیری دارد. به خصوص، در بین محدثین شیعه، چنانکه در فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام چهل حدیث از چهل تن از مشايخ حدیث کتاب‌هائی تدوین شده که نمونه آن: الأربعین من مسانید المشايخ العشرين عن اصحاب الأربعين، از احمد بن عبدوس، متوفای ۲۹۳ هـ و الأربعين من مسانيد المشايخ العشرين من الاصحاب الأربعين من العوالى، از عبدالله ابن جعفر قشیری متوفای ۵۳۳ هـ و الأربعون حديثا من الأربعين عن الأربعين فى فضائل امير المؤمنين علیه السلام،<sup>۴</sup> از شیخ متجب الدين علی بن عبیدالله... بن بابویه قمی، متولد ۵۰۴ و متوفای ۵۸۵ هـ. و الأربعون حديثا عن الأربعين فى فضائل امیرالمؤمنین از محمد بن احمد بن حسین خزاعی جد شیخ ابوالفتوح رازی<sup>۵</sup> است. و الأربعون حديثا عن الأربعين فى فضائل امیرالمؤمنین، اربعون حديثا عن اربعين صحابیا از شیخ محمد رضا طبسی معاصر<sup>۶</sup> و اربعین حدیث‌های دیگر، که در فهرست‌های نسخ خطی و کتاب‌های تراجم رجال و آثار علمی دانشمندان و... معرفی شده است.

در میان آثار مکتوب، و نسخه‌های دست‌نویس کتابخانه آیه‌الله العظمی گلپایگانی رهنی، ضمن مجموعه‌ای نفیس، نسخه‌ای با عنوان «کشف الاحزان و سرور الاخوان» وجود دارد. این مجموعه نفیس خطی، دارای چند کتاب، با کاغذ کاهی معمولی است. به استناد نوشته یکی از مالکین کتاب، این مجموعه تا، سال ۱۲۸۱ در بیدگل کاشان بوده است. اولین کتاب این مجموعه بخش ایمان و کفر، از کتاب الوافی، مرحوم فض کاشانی متوفای ۱۰۹۱ است که یازده سال قبل از وفات فیض کتابت شده، واز مزایای آن است. و یک بخش از آن کتاب، احادیث کتاب «معارج اليقین فی اصول الدين»<sup>۷</sup> است. (ظاهرا غیر از جواهر الاخبار و مستطرف باشد) و دیگر احادیثی از کتاب «خصال» مرحوم شیخ صدق آورده و آخرین کتاب این مجموعه، «کشف الاحزان و سرور الاخوان» است که در اندازه ۱۰×۱۴ سانتیمتر و دارای یازده صفحه (ناقص الآخر) و هر صفحه حاوی ۱۵ سطر و هر سطر هفت سانتیمتر با خط نستعلیق کتابت شده کتاب با این جمله آغاز می‌شود. بعد از بسمله: الحمد لله على ما انعم و له الشكر على ما اهتم و الصلوة على من انذر و بشر الخ.

۱. کشف الظنون، ۱/۵۴.

۲. مقدمه اربعین جامی، ص ۵.

۳. همان.

۴. الذریعه، ۱/۴۳۳.

۵. همان، ص ۴۳۲.

۶. همان، ص ۴۳۲.

۷. الذریعه: ج ۲۱ ص ۱۸۵ درباره این کتاب توضیحاتی دارد.

## اهمیت نسخه

این نسخه از دیدگاه روایی اهمیت چشمگیری دارد و تأثیف آن احتمالاً سده‌ی هفت هجری است.

در این نسخه ده حدیث در فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام ده حدیث در مناقب امامین همامین الحسن و الحسین علیهم السلام، ده حدیث در مناقب حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام و ده حدیث در فضائل اولاد و شیعیان آن حضرت بعنوان اربعین حدیث جمع‌آوری کرده است. متأسفانه نسخه ناقص، و از آخر افتادگی دارد. فقط یازده حدیث از چهل حدیث باقی مانده است. ده حدیث کامل در فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام و یک حدیث درباره امامین الحسن و الحسین علیهم السلام را دارد که آن حدیث هم ناتمام، و مؤلف آن نیز نامعلوم است. کاتب این مجموعه محمد بن علی چیت ساز قومشی است که کتابت نسخه را در محرم الحرام ۱۰۸۰ هـ به پایان رسانده است. تأثیف کتاب کشف الاحزان، احتمالاً در سده هفتاد هجری باشد. وی اولین حدیث را از محمد بن محمد بن الحسینی الابی روایت می‌کند و سلسله رواییان را به امام رضا علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام تا رسول الله علیه السلام می‌رساند که با تحقیق بیشتر شاید بتوان به نام مؤلف و سال تأثیف آن بی برد. این نسخه با کد ۲۴۶/۳۸ در کتابخانه فوق الذکر طبقه‌بندی و تنظیم شده. جستجوی نگارنده برای دست‌یابی به نسخه دوم آن بی‌نتیجه ماند و به نظر می‌رسد که نسخه منحصر به فرد است. شاید نسخه دیگر و کاملی پیدا شود و محققین بزرگوار آن را مورد پژوهش قرار داده، احیاء گردد.

از فهرست‌نگاران و علاقمندان به نسخ خطی که دارای اطلاعاتی درباره این نسخه هستند انتظار می‌رود در تکمیل نسخه «کشف الاحزان و سرور الاخوان ما را یاری دهند.

اینک متن کتاب با چند منبع و مأخذ از کتب محدثان مورد وثوق عامه، ارائه می‌نماید، که در این مقال مجال تفصیل بیشتر نیست.

قم - ابوالفضل عرب‌زاده

۱۳۹۰ تیر ۲۸

## «كشف الاحزان و سرور الاخوان»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله على ما انعم و له الشكر على ما اهم و الصلوة على من انذر و بشر و اعلم و على من هو من بين الصحابة  
انبه و افضل و اعلم و على اولاده الذين هم انجم افلاك العصم و كواكب. اقطار الحكمة الذين شر فهم الله بالثواب  
الفاطمي توقيرا و اذهب عنهم الرّجس و طهّرهم تطهيرا

اما بعد فهذا اربعون حديثا عشر في مناقب امير المؤمنين على بن ابي طالب عليهما السلام و عشر في مناقب الحسن و  
الحسين عليهما السلام و عشر في مناقب فاطمة الزهراء عليها السلام و عشر في مناقب اولادهم و شيعتهم عليهم رضوان الله و رحمته  
و هذه عراضة باقية في عقيه لعلهم يشهدون و هدية ثانية لقوم يعلمون خير نسب و عرض يمتاز به بذلك في  
ساير الممالك ساتحة بانواع شتى يفرح به الناظر المؤمل و يتفرج فيها ذو النصرة المتأمّل و سميت الكتاب بكشف  
الاحزان و سرور الاخوان و عليه التكلان و جعلت ذلك مبنيا على اربعة ابواب الباب الاول في مناقب امير المؤمنين  
على عليهما السلام الباب الثاني في مناقب الحسن و الحسين عليهما السلام. الباب الثالث في مناقب فاطمة الزهراء عليهما السلام  
الباب الرابع في ذكر الارادات و الشيعة.

الحديث الاول في مناقب على عليهما السلام في عشرة احاديث. اخبرني مولانا و سيدنا السيد الاعظم المرتضى المعظم  
المجتبى الاكرم ملجأ الحل و الحرم رضى الملة و الحق و الدين ركن الاسلام و المسلمين محمد بن محمد بن  
محمد الحسنى الابى رضى الله عنه و هو يروى عن ابيه السيد المعصوم الشهيد فخر الدين محمد عليهما السلام و هو  
يروى عن ابيه سيد الصدر المعظم رضى الدين محمد عليهما السلام و هو يروى عن الامام العلام شهاب الدين الداعى الى الله  
المدفون بجرجان بل الله بما الرّحمة ثراه و جعل الجنة مضجعه و مثواه و هو يروى عن هشام الدين بنو روى عن  
المعروف الكرخي عليهما السلام و هو يروى عن الامام ابن المرتضى اقضى من قضى على بن موسى الرضا عليهما السلام و هو يروى عن  
الحجّة الناطق ابيه موسى عليهما السلام و هو يروى عن الحجّة الناطق جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام و هو يروى عن المعصوم  
الطاھر محمد الباقر عليهما السلام و هو يروى عن الامام الامان الامين على بن الحسين زين العابدين عليهما السلام و هو يروى عن  
القوى المبتلا حسين بن الشهيد بكربالا عليهما السلام و هو يروى عن ابيه على بن ابيطالب عليهما السلام انه قال: قال رسول الله عليهما السلام  
لابي ايوب الانصاري و عمّار ياسر رضي الله عنهما يا ابا ايوب يا عمّار اشهدنا و بلّغا عن حق على المسلمين  
كحق الوالد على الولد.<sup>1</sup>

1. احمد بن عبد الله بن محمد شافعى، معروف به محب طبرى ٦٩٤-٦١٥ الرياض النظره في مناقب العشره. ٢٢٧/٢ و على بن حسن بن هبة الله  
شافعى، معروف به ابن عساكر، (٤٩٩-٥٧١) ترجمه الامام على بن ابيطالب من تاريخ مدینه دمشق، با تحقیق محمودی، ٢ / صص ٢٧٤-٢٧١.

**الحاديـث الثانـي** و بهـذا لـرواـيـة قال: قال رـسـول اللـه عـلـيـه الـحـلـمـه لـمعـاذ بـن جـبـل يـا مـعاـذ أـنـي أـخـصـم عـلـيـا بـالـنـبـوـه و لا نـبـى بـعـدـى و يـخـصـم عـلـيـ سـاـيـر النـاس بـسـبـع خـصـال لـا يـحـاجـه فـيهـنـ اـحـد مـن قـرـيش و هـو اوـلـهـم اـيمـانـا بـالـلـه و اوـفـاهـم بـعـهـدـالـلـه و اـقـومـهـم بـاـمـرـالـلـه و اـقـسـمـهـم بـالـسـوـيـهـ و اـعـدـلـهـم فـيـ الرـعـيـهـ و اـبـصـرـهـم بـالـقـضـيـهـ و اـعـظـمـهـم عـنـدـالـلـهـ المـزـيـهـ.

**الحاديـث الثـالـث** بـهـذـه الـرواـيـة قال: قال رـسـول اللـه عـلـيـه الـحـلـمـه لـعـلـى بـن مـرـه عـلـى خـيـر النـاس بـعـدـى و عـلـى اـولـى النـاس بـعـدـى مـن اـطـاعـهـ فـقـد اـطـاعـنـي و مـن اـطـاعـنـي فـقـد اـطـاعـالـلـهـ و مـن عـصـيـهـ فـقـد عـصـانـي و مـن عـصـانـي فـقـد عـصـىـالـلـهـ و مـن اـحـبـهـ فـقـد اـحـبـنـي و مـن اـحـبـنـي فـقـد اـحـبـالـلـهـ و مـن اـبـغـهـ فـقـد اـبـغـنـي و مـن اـبـغـنـي فـقـد اـبـغـالـلـهـ لـا يـحـبـهـ الاـ مـؤـمنـ و لـا يـبغـضـهـ الاـ مـنـاقـقـ.

**الحاديـث الرـابـع** بـهـذـه الـرواـيـة عـن جـابرـ قال: قال رـسـول اللـه عـلـيـه الـحـلـمـه يـا جـابر لـمـا أـسـرـى بـىـ إـلـى السـمـاءـ رـأـيـت عـلـى بـابـ الجـنـهـ مـكـتـوـبـاـ مـحـمـداـ رـسـولـالـلـهـ و عـلـى ولـىـالـلـهـ قـبـلـ انـ يـخـلـقـ السـمـوـاتـ وـ الـأـرـضـوـنـ بـالـفـيـ عـامـ ٣ـ.

**الحاديـث الخـامـس** بـهـذـه الـرواـيـة قال اـبـن عـبـاسـ لـأـمـ السـلـمـه زـوـجـهـ النـبـى عـلـيـهـ الـحـلـمـه فـهـلـ سـمـعـتـ مـنـ رـسـولـالـلـهـ فـيـ عـلـىـ شـيـئـاـ لـمـ يـسـمـعـهـ غـيرـكـ قـالـتـ يـاـبـنـ عـبـاسـ مـاـ سـمـعـتـ مـنـ رـسـولـالـلـهـ فـيـ عـلـىـ فـهـوـ اـكـبـرـ مـاـ أـرـىـ اـنـ اـخـبـرـكـ بـهـ وـ لـكـنـىـ اـخـبـرـكـ مـنـ ذـلـكـ بـمـاـ يـكـفـيـكـ وـ يـشـفـيـكـ سـمـعـتـ رـسـولـالـلـهـ عـلـيـهـ الـحـلـمـه قـبـلـ موـتـهـ بـجـمـعـهـ فـاـنـ كـانـ اـكـثـرـ مـنـ جـمـعـهـ فـلـنـ يـزـيدـ عـلـىـ عـشـرـةـ اـيـامـ قـبـلـ انـ تـحـوـلـ اـلـىـ بـيـتـ عـاـيـشـهـ وـ قـبـلـ انـ يـقـطـعـ الطـوـافـ عـلـىـ نـسـائـهـ فـدـخـلـ عـلـيـهـ عـلـىـ وـ هـوـ فـيـ بـيـتـيـ فـسـلـمـ خـفـيـاـ توـقـيـرـاـ لـرـسـولـالـلـهـ عـلـيـهـ الـحـلـمـهـ فـرـدـ عـلـيـهـ مـعـلـنـاـ كـالـمـسـرـورـ بـاـخـيـهـ الـمـحـبـ ثـمـ قـبـضـ عـلـىـ يـدـهـ وـ قـالـ عـلـىـ سـلـمـ وـ دـخـلـ الـيـنـاـ قـالـ نـعـمـ يـاـ رـسـولـالـلـهـ فـبـكـيـ رـسـولـالـلـهـ عـلـيـهـ الـحـلـمـهـ وـ بـكـيـ عـلـىـ عـلـيـهـ وـ يـدـ عـلـىـ فـيـ يـدـهـ وـ عـلـىـ لـاـ يـرـفـعـ بـصـرـهـ الـيـهـ تعـظـيمـاـ لـهـ قـالـ اـمـ السـلـمـهـ يـاـ رـسـولـالـلـهـ الـىـ مـنـ تـكـلـ وـ الـىـ مـنـ تـوـصـىـ بـنـاـ قـالـ اـكـلـكـمـ الـىـ الـعـزـيزـ الـغـفـارـ وـ اـوـصـىـ بـكـمـ الـىـ هـذـاـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ هـذـاـ الـوـصـىـ عـلـىـ الـاـمـوـاتـ مـنـ اـهـلـ بـيـتـيـ وـ الـخـلـيفـهـ عـلـىـ الـاـحـيـاءـ مـنـهـمـ وـ هـوـ فـيـ السـنـانـ الـاـعـلـىـ مـعـىـ فـاسـمـعـىـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ قـوـلـىـ وـ اـحـفـظـنـىـ وـ وـصـيـتـىـ وـ اـشـهـدـىـ وـ بـلـغـىـ اـنـ عـلـيـاـ اـخـىـ وـ اـبـنـ عـمـىـ وـ رـفـيـقـىـ فـيـ الجـنـهـ كـمـ اـنـهـ اـخـىـ فـيـ الدـنـيـاـ وـ هـوـ مـنـىـ بـمـنـزـلـهـ هـرـونـ مـنـ مـوـسـىـ الـاـنـهـ لـاـبـنـيـ بـعـدـىـ سـيـطـ لـحـمـهـ بـلـحـمـىـ وـ دـمـهـ بـدـمـىـ مـنـىـ اـبـتـىـ فـاطـمـهـ مـنـهـ وـ مـنـهاـ وـ لـدـائـيـ الـحـسـنـ وـ الـحـسـينـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ عـلـىـ سـيـدـ كـلـ مـسـلـمـ اـذـكـانـ اوـلـهـمـ اـسـلـامـاـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ عـلـىـ سـيـدـ كـلـ مـوـءـ مـنـ اـذـكـانـ اوـلـهـمـ اـيمـانـاـ وـ اـسـبـقـهـمـ الـىـ الـاـيمـانـ بـالـلـهـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ عـلـىـ مـعـهـ مـنـ كـلـ عـلـمـ اـذـ لـمـ يـتـلوـتـ فـيـ الشـرـكـ مـذـكـانـ،ـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ عـلـىـ سـيـدـ الـمـؤـمـنـينـ وـ قـاتـلـ النـاكـشـينـ وـ الـقـاسـطـينـ وـ الـمـارـقـينـ بـعـدـىـ يـاـ اـمـ السـلـمـهـ قـالـ لـىـ جـبـرـئـيلـ عـلـيـهـ الـحـلـمـهـ

١. اـحمدـ بنـ عبدـالـلـهـ،ـ مـحـبـ طـبـرـىـ،ـ الـرـيـاضـ النـظـرـهـ فـيـ منـاقـبـ العـشـرـهـ ٢٦٢ـ/ـ٢ـ وـ اـحـمـدـ بنـ اـحـمـدـ،ـ مـعـرـوفـ بـهـ اـبـىـ نـعـيمـ اـصـفـهـانـىـ ٤٣٠ــ٣٣٦ـ حـلـيـةـ الـاـولـيـاءـ،ـ ١ـ صـصـ ٦٥ـ وـ ٦٦ـ وـ اـبـراـهـيمـ بنـ مـحـمـدـ مـعـرـوفـ بـهـ حـمـوىـ،ـ (٧٣٠ــ٦٤٤ـ)،ـ فـرـائـدـ السـمـطـينـ،ـ ١ـ ٢٢٣ـ/ـ١ـ.
٢. اـحمدـ بنـ عبدـالـلـهـ،ـ مـحـبـ طـبـرـىـ،ـ الـرـيـاضـ النـظـرـهـ فـيـ منـاقـبـ العـشـرـهـ،ـ ٢ـ /ـ صـصـ ٢١٨ــ٢٢٠ـ،ـ اـبـنـ عـساـكـرـ،ـ تـرـجـمـهـ الـاـمـامـ عـلـىـ بـنـ اـبـيـ طـالـبـ عـلـيـهـ السـلـامـ مـنـ تـارـيـخـ مـديـنـةـ الدـمـشـقـ:ـ ٢ـ صـصـ ٢١٧ــ٢١٤ـ.
٣. مـحـمـدـ بنـ اـحـمـدـ بـاـعـونـىـ الشـافـعـىـ،ـ ٨٧١ــ٠٠٠ـ جـواـهـرـ الـمـطـالـبـ فـيـ منـاقـبـ الـاـمـامـ عـلـىـ بـنـ اـبـيـ طـالـبـ،ـ ٧٢١ـ/ـ١ـ وـ مـحـبـ طـبـرـىـ،ـ الـرـيـاضـ النـظـرـهـ،ـ ٢ـ/ـ ٢ـ.

يُوْمَ عِرْفَةَ بِعِرْفَاتٍ يَا مُحَمَّدَ إِنَّ اللَّهَ بَاهِي بَكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَغُفْرَلَكُمْ عَامَّةً وَبَاهِي بَعْلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَغُفْرَلَهُ خَاصَّةً وَعَامَّةً<sup>١</sup> يَا أَمَّ السَّلْمَهُ هَذَا عَلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَالِمَكُمْ فَتَقَوَّا بِقَوْلِهِ وَأَكْرَمَوهُ يَا أَمَّ السَّلْمَهُ هَذَا عَلَى قَائِدَكُمْ فَاعْرَفُوا قَائِدَكُمْ إِذَا دَعَاكُمْ فَاجِيَّوْهُ وَأَكْرَمَوهُ يَا أَمَّ السَّلْمَهُ هَذَا عَلَى إِمَامَكُمْ فَاحِبَّوْهُ وَأَكْرَمَوهُ يَا أَمَّ السَّلْمَهُ عَلَى قَائِدَكُمْ فَاحِبَّوْهُ بَعْدِي بَحْتَنِي وَأَكْرَمَوهُ لِكَرَامَتِي مَا قَلَتُ هَذَا مِنْ قِبْلَتِي وَلِكِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَقُولَهُ ثُمَّ قَالَتْ أَمَّ السَّلْمَهُ لَمْ يَكُفَّ هَذَا يَابْنَ عَبَّاسٍ وَالْأَوَّلُ اللَّهُ زَدَتْكَ فَقُلْتُ بِلِ يَكْفِينِي.<sup>٢</sup>

**الحاديـث السادس** بهذا الرواية قال: قال رسول الله ﷺ لعبد الله بن عباس رضي الله عنهما أوّل من يكسى يوم القيمة ابراهيم لخلته ثم أنا لصفوتي ثم على بن ابي طالب يزف بينه وبيني زفافا الى الجنّه.<sup>٣</sup>

**الحاديـث السابـع** بهذه الرواية قال: قال رسول الله ﷺ لأبي هريرة من احب ان يتعلق بقضب من ياقوته الحمرا التي غرسها الله بيده في جنة الفردوس الاعلى فليتعلّق بحب على بن ابي طالب.<sup>٤</sup>

**الحاديـث الثامن** بهذه الرواية قال: قال رسول الله ﷺ لأبن عباس رضي الله عنهما اخبرك عن يوم القيمة الركبان اربعه فقال بابي انت و امي يا رسول الله و من الركبان فقال يابن عباس اما انا على البراق و اما صالح فعلى ناقة الله التي عقرت و اما بنتي فاطمة على الناقة الغباء و اما على بن ابي طالب عليهما فعلى ناقة من نوق الجنّه مدمجة. الجنبيـن حطامـها من الـلؤلؤـ الرطب و عيناـها من ياقـوتـين حـمـراـويـن و ازـمتـها من الزـبرـجـدـ الاـخـصـرـ و قـوـايـمـها من الـذـهـبـ و جـلاـجلـها من السـنـدـسـ و الاـسـتـبـرـقـ و روـاحـلـها من المـسـكـ و العنـبرـ عـلـيـها مـحـمـلـ من ياقـوتـهـ الـحـمـرـ اـقـضـبـانـهـ من الدـرـ و المرـجانـ عـلـى ذـلـكـ المـحـمـلـ قـبـهـ مـن درـةـ بـيـضـاءـ مـتـجـوـفـةـ بـطـائـنـهـ لـهـ و ظـواـهـرـهـ عـفـوـالـلـهـ اـذـ اـقـبـلـتـ رـغـتـ و اـذـ اـدـبـرـتـ رـقـتـ تـلـحـقـ و لـاتـلـحـقـ يـغـبـطـهـ الاـوـلـوـنـ و الاـخـرـوـنـ عـلـى رـاسـهـ تـاجـ مـن نـورـ لـذـلـكـ التـاجـ سـبـعـونـ رـكـنـاـ فـهـوـ اـمـامـيـهـ يوم الـقيـمـهـ و بـيـدـهـ لـوـاءـ الـحـمـدـ و هـوـيـنـاـ دـىـ لاـهـ الاـلـهـ مـحـمـدـ رسـولـ اللـهـ فـلـاـ يـمـرـ بـمـلـأـ مـلـائـكـهـ و الانـبـيـاءـ الاـ قـالـواـ مـلـكـ مـقـرـبـ اوـ نـبـيـ مـرـسلـ حـتـىـ يـنـادـيـ مـنـادـيـ مـنـ بـطـنـانـ العـرـشـ مـعاـشـ الـمـسـلـمـيـنـ لـيـسـ هـذـاـ مـلـكـ مـقـرـبـ وـ لـاـ نـبـيـ مـرـسلـ هـذـاـ عـلـىـ بـنـ اـبـيـ طـالـبـ اـبـنـ عـمـ رسـولـ اللـهـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـ آـلـهـ وـ آلـهـ.<sup>٥</sup>

**الحاديـث التاسـع** قال بهذه الرواية قال: قال رسول الله ﷺ لأبي سعيد الخدري رضي الله عنه لمّا أسرى بـىـ السـيـرـ سـبـعـ سـمـوـاتـ اـخـذـ بـيـدـ جـبـرـئـيلـ عليهـ مـلـائـكـةـ فـادـخـلـنـيـ الجـنـهـ ثـمـ نـاوـلـنـيـ سـفـرـجـلـهـ فـانـفـلـقـتـ نـصـفـينـ فـخـرـجـتـ مـنـهـ حـورـاءـ فـقـالـتـ السـلـامـ عـلـيـكـ ياـ اـحـمـدـ السـلـامـ عـلـيـكـ ياـ مـحـمـدـ السـلـامـ عـلـيـكـ ياـ رـسـولـ اللـهـ وـ قـلـتـ وـ عـلـيـكـ السـلـامـ يـرـحـمـكـ اللـهـ مـنـ اـيـنـ اـنـتـ وـ مـنـ اـنـتـ قـالـتـ اـنـاـ رـاضـيـهـ الـمـرـضـيـهـ خـلـقـنـيـ اللـهـ عـزـوـجـلـ مـنـ ثـلـاثـهـ اـصـنـافـ السـفـلـىـ مـنـ المـسـكـ وـ وـسـطـىـ مـنـ العنـبرـ

١. در مواردی، راوی بخشی از یک حديث را نقل می‌کند، و راوی دیگر بخش دیگری را، از این رو گاهی می‌توان همه نقل‌ها را به هم ضمیمه کرد و همه را حاجت دانست. *الریاض النظره* ٢ / صص ٢١٤-٢٢٥ و علی بن ابی بکر هیمنی ٨٠٢-٠٠٠ مجمع الزواید و منبع الفوائد ٩ / صص ١١١-١٠٩.

٢. *الریاض النظره*، ٢ / صص ٢٦٦-٢٦٧ با زیادات و تفاوت‌های در کلمات.

٣. موقف بن احمد حنفی، معروف به اخطب خوارزم ٤٨٤-٤٨٦ متناقب، ص ٣٥.

٤. ابن عساکر: ترجمه الامام علی بن ایطالب علیه السلام من تاريخ مدینه دمشق صص ٣٣٣/٢ - ٣٣٥.

و اعلايى من الكافور عجنت بماء الحيوان فقيل لى كونى فكنت خلقت لاخيك و ابن عمك و وصيك و زوج ابتك على بن ابي طالب.

الحاديـث العاشر بهذه الرواية قال: قال رسول الله ﷺ لابن عباس دخلت فاطمة (محو شده) العين فقلـت لها ما بيـكـيـكـ يـا زـهـراءـ قـالـتـ بـكـيـتـ مـنـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ مـنـ قـرـيـشـ عـيـرـتـنـيـ بـتـزـوـيـجـيـ مـنـ عـلـىـ وـ هـوـ مـعـدـمـ فـقـلـتـ...ـلـهـاـ اـنـ زـوـجـتـكـ اـيـاهـ بـلـ اللـهـ زـوـجـكـ مـنـهـ فـقـالـتـ كـيـفـ كـانـ مـنـ قـصـتـيـ حـيـنـ زـوـجـتـ مـنـ عـلـىـ قـالـ يـاـ بـنـيـ بـيـنـماـ...ـ اـنـ جـالـسـ فـيـ مـجـلـسـيـ هـذـاـ مـنـ نـصـفـ شـهـرـ رـمـضـانـ اـذـ نـزـلـ عـلـىـ جـبـرـئـيلـ عـلـيـهـ الـحـلـمـ فـقـالـ يـاـ مـحـمـدـ قـرـتـ عـيـنـاكـ قـلـتـ بـمـاـذـاـ قـالـ اـنـ اللـهـ تـعـالـىـ جـمـعـ الـكـرـوبـيـنـ وـ الرـوـحـانـيـنـ يـقـالـ لـهـ اـلاـ فـسـيـحـ تـحـتـ شـحـرـةـ الطـوـبـيـ وـ اـنـ اللـهـ اـمـرـنـىـ فـكـنـتـ الـخـطـيـبـ وـ اللـهـ تـعـالـىـ الـوـلـىـ وـ عـلـىـ الـخـاطـبـ اـنـ اللـهـ تـعـالـىـ زـوـجـ اـبـتـكـ فـاطـمـةـ مـنـ عـلـىـ وـ اـمـرـ شـجـرـهـ طـوـبـيـ اـنـ تـنـشـرـ فـتـشـرـتـ عـلـىـنـاـ الـحـلـىـ وـ الـحـلـلـ وـ الـسـنـدـسـ وـ الـاسـتـبـرـقـ وـ اـقـبـلـ بـحـورـ الـعـيـنـ تـزـيـنـ وـ تـطـيـنـ وـ اـقـبـلـنـ حـتـىـ وـ قـفـنـ تـحـتـ الشـحـرـهـ لـيـلـتـقـطـنـ تـلـكـ التـنـارـ وـ قـالـتـ بـعـضـهـنـ بـعـضـ تـعـالـيـنـ اـلـىـ نـثـارـ فـاطـمـةـ بـنـتـ رـسـولـ اللـهـ اـلـىـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ الـقـيـمـهـ فـقـلـتـ لـفـاطـمـةـ بـاـمـرـ رـبـيـ زـوـجـتـكـ مـنـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ سـلـمـاـ وـ اـسـلـامـاـ وـ اـكـثـرـهـمـ عـلـمـاـ وـ اـحـكـامـاـ وـ اـعـلـمـهـمـ بـمـاـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ اللـهـ حـلـلـاـ وـ حـرـاماـ فـضـحـكـتـ بـعـدـ بـكـائـهـاـ وـ تـهـلـلـ وـ جـهـهـاـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ حـزـنـهـاـ وـ قـالـتـ رـضـيـتـ بـمـاـ رـضـيـ اللـهـ عـزـوـجـلـ لـىـ وـ رـسـولـ اللـهـ.

الحاديـث عن جـعـفـرـ بـنـ مـحـمـدـ عـنـ جـدـهـ عـنـ اـبـيهـ الـحـسـيـنـ بـنـ عـلـىـ صـلـوـاتـ اللـهـ عـلـيـهـمـ قـالـ رـسـولـ اللـهـ عـلـيـهـشـرـهـ لـمـاـ اـسـرـىـ بـىـ إـلـىـ السـمـاءـ وـ اـنـتـمـىـ بـىـ إـلـىـ حـبـ النـورـ كـلـمـنـىـ رـبـيـ جـلـ جـالـلـهـ قـالـ يـاـ مـحـمـدـ بـلـغـ عـلـىـ بـنـ اـبـىـ طـالـبـ مـنـىـ السـلـمـ وـ اـعـلـمـهـ اـنـهـ حـجـتـىـ بـعـدـكـ عـلـىـ خـلـقـىـ بـهـ اـسـقـىـ عـبـادـىـ الغـيـثـ وـ بـهـ اـدـفـعـ عـنـهـمـ السـوـءـ وـ بـهـ اـحـتـجـ عـلـيـهـمـ يـوـمـ يـلـقـونـىـ فـاـيـاهـ فـلـيـطـيـعـوـ بـاـمـرـهـ فـلـيـاتـمـرـ وـ النـهـيـهـ فـلـيـتـمـوـاـ قـالـ رـسـولـ اللـهـ عـلـيـهـشـرـهـ اـنـ مـوـسـىـ عـلـيـهـشـرـهـ سـئـلـ رـبـهـ عـزـوـجـلـ اـنـ يـعـرـفـهـ بـدـاءـ الدـنـيـاـ مـنـذـكـمـ خـلـقـتـ فـاوـحـىـ اللـهـ اـلـىـ مـوـسـىـ عـلـيـهـشـرـهـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ غـوـامـضـ عـلـمـىـ فـعـالـ يـاـ رـبـ اـحـبـ اـنـ اـعـلـمـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ يـاـ مـوـسـىـ خـلـقـتـ الدـنـيـاـ مـنـذـ مـائـهـ الفـ الفـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ مـرـأـتـ وـ كـانـتـ خـرـابـاـ خـمـسـيـنـ الفـ عـامـاـ ثـمـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ فـىـ عـمـارـتـهـاـ فـعـمـرـتـهـاـ خـمـسـيـنـ الفـ عـامـ ثـمـ خـلـقـتـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ عـلـىـ مـثـالـ الـبـقـرـ يـأـكـلـونـ رـزـقـىـ وـ يـعـبـدـونـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ خـمـسـيـنـ الفـ عـامـ ثـمـ اـمـتـهـمـ كـلـهـمـ فـىـ سـاعـهـ وـ اـحـدـهـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ الدـنـيـاـ خـمـسـيـنـ الفـ عـامـ ثـمـ بـدـاتـ فـىـ عـمـارـتـهـاـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ عـامـرـهـ خـمـسـيـنـ الفـ عـامـ ثـمـ خـلـقـتـ فـيـهاـ بـحـراـ (ـمـحـوـ شـدـهـ)ـ الـبـحـرـ خـمـسـيـنـ الفـ عـامـاـ لـاـ شـئـ مـحـيـاءـ مـنـ الدـنـيـاـ اـنـ يـشـرـبـ المـاءـ مـنـ الـبـحـرـ ثـمـ خـلـقـتـ دـاـبـهـ وـ سـلـطـهـاـ عـلـىـ ذـلـكـ الـبـحـرـ فـشـرـ بـتـهـ بـنـفـسـ وـ اـحـدـهـ ثـمـ خـلـقـتـ خـلـقاـ اـصـغـرـ مـنـ الـرـنـبـورـ وـ اـكـبـرـ مـنـ الـبـقـرـ فـسـلـطـتـ ذـلـكـ الـخـلـقـ عـلـىـ هـذـهـ الدـاـبـهـ فـلـذـعـنـهـاـ وـ قـتـلـهـاـ فـحـكـتـ...ـ

١. اـحـمـدـ بـنـ عـدـالـلـ، مـحـبـ طـرـىـ، الـرـيـاضـ النـظـرـهـ ٢٧٩/٢.

٢. آخـرـينـ بـرـگـ كـتـابـ آـسـيـبـ دـيـدـهـ وـ مـرـمـتـ شـدـهـ اـسـتـ، كـلـمـاتـ مـحـوـ شـدـهـ مـرـبـوـطـ بـهـ آـسـيـبـ دـيـدـگـىـ اـسـتـ. تـاـ اـيـنـ جـاـ مـتـنـ كـتـابـ كـشـفـ الـاحـزـانـ وـ سـرـورـ الـاخـوانـ اـسـتـ كـهـ تـقـدـيمـ دـانـشـمـدانـ وـ مـحـقـقـانـ وـ فـهـرـسـتـنـگـارـانـ گـرـدـيدـ. بـهـ آـنـ اـمـيدـ كـهـ نـسـخـهـ دـيـگـرـىـ يـافتـ شـودـ وـ اـحـيـاءـ گـرـدـ. وـ اللـهـ الـمـسـتعـانـ وـ عـلـيـهـ التـكـلـانـ.